



یک کاروان اینجا

یک کاروان آنجا

صد قافله خسته

در قلب یک صحرا

آنها همه بودند

در جستجوی آب

شد برکه ای پیدا

چون تکه ای مهتاب

شد برکه آینه

تابید در صحرا

هرکس در آن میدید

آینده خود را

خورشید می تابید

همراه او یک ماه

هرکس شنید آنجا

هذا علی مولاہ